

Investigating the psychometric adequacy of nostalgia inventory (NI)

Farhad Khormae¹, Jalil Etemaad²

1- Associative professor of educational psychology at Shiraz university, Shiraz, Iran. ORCID: 0000-0001-5857-3029

2- Ph.D. candidate of educational psychology at Shiraz University, Shiraz, Iran. ORCID: 0000-0001-9395-0029
E-mail: jetemaad@gmail.com

Received: 30/07/2018

Accepted: 06/10/2018

Abstract

Introduction: Nostalgia as one of the complex emotion that discussed conceptual challenges on entity and functions of in nineteen and twenty century. Beside assessment of nostalgia is important.

Aim: our objective of this research, preparation of necessary preliminary work to using Batcho's nostalgia inventory (1995) for psychological research in Iran.

Method: in this cross sectional study, 201 graduate and Ph.D. student were participated. Then, they are respond to nostalgia inventory (NI), check manipulation test (wildschut et al, 2006) and aspiration index (kasser & rayan, 2006).

Results: The results showed these factors: "attachment to foretime", "longing to home", "tranquility of foretime" and convergent validity and reliability evidences for NI.

Conclusion: the result was showed evidences for construct validity, convergent validity and internal consistency of NI, also result was showed gender difference in some of factors.

Keywords: nostalgia, attachment to foretime, longing to home, tranquility of foretime

How to cite this article : Khormae F, Etemaad J. Investigating the psychometric adequacy of nostalgia inventory (NI). Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2018; 5 (3): 95-106 .URL :<http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-457-fa.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

بررسی کفایت روان‌سنجی پرسشنامه‌ی نوستالژی (NI)

فرهاد خرمائی^۱، جلیل اعتماد^۲

۱. دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. ایمیل: jetemaad@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸

چکیده:

مقدمه: نوستالژی یکی از پیچیده‌ترین هیجان‌هاست که بر سر ماهیت و کارکردهای آن مناقشات مفهومی و نظری تعیین‌کننده‌ای در قرن نوزده و بیست انجام شده است. در این راستا، سنجش نوستالژی و نوستالژی‌گرایی اهمیت می‌یابد.

هدف: هدف از این پژوهش، فراهم کردن مقدمات لازم جهت استفاده از پرسشنامه‌ی نوستالژی باجو (۱۹۹۵) در پژوهش‌های داخلی است.

روش: در این مطالعه مقطعی، ۲۰۱ دانشجو از دانشجویان مقاطع تکمیلی دانشگاه شیراز انتخاب شدند. پرسشنامه‌های نوستالژی (باجو، ۱۹۹۵)، آزمون واریسی دستکاری نوستالژی (وایدشات و همکاران، ۲۰۰۶) و پرسشنامه‌ی آرزو (کسر و رایان، ۱۹۹۹) را تکمیل کردند.

یافته‌ها: عامل‌های "دل‌بستگی‌های گذشته"، "میل به خانه" و "صفای گذشته" خود را نشان داد و روایی همگرا و پایایی مورد تایید قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش مؤید روایی سازه، همگرا و همسانی درونی و همچنین تفاوت جنسیتی در عوامل نوستالژی بود.

کلید واژه‌ها: نوستالژی، دل‌بستگی‌های گذشته، میل به خانه، صفای گذشته

مقدمه

نوستالژی یک هیجان منفی است که مانع رشد فرد می‌شود و به عنوان یک آسیب روانی است، چرا که افراد به طور ناسازگارانه به گذشته می‌پردازند و با غرق شدن در گذشته از مسئولیت‌ها و از واقعیت اکنون فرار می‌کنند.

در ادامه دسته‌ای از پژوهشگران با انجام تحقیقات آزمایشی و غیرآزمایشی متعدد، نظریات و تحقیقات گذشته که نوستالژی را بیماری یا یک هیجان منفی با کارکردهای ناسازگار می‌دانستند را به چالش کشیدند و شواهد زیادی را مبنی بر کارکردهای مثبت این هیجان نشان دادند (برای مثال، داویس، ۱۹۷۹؛ گابریل، ۱۹۹۳؛ هولاک و هاولنا، ۱۹۹۸؛ سدیکیدس، اسکورونسکی و دونبار، ۲۰۰۶؛ سدیکیدس، ویدسشات، آرنلد و روتلدج، ۲۰۰۶؛ روتلدج، ویدسشات، سدیکیدس و جوئل، ۲۰۱۳). در این زمینه گروهی از محققان نشان دادند که محتمل است نوستالژی ایجاد کننده نشانگان مشاهده شده باشد، اما به طور برابر این امکان نیز وجود دارد که این نشانگان، نوستالژی را فراخوانی کرده باشند (روتلدج و همکاران، ۲۰۱۳؛ سدیکیدس و همکاران، ۲۰۰۹). آنها بیان کردند که پزشکان و روانپزشکان با عدم دقت کافی، مبتنی بر جهت‌گیری سابق درباره علّت (همان علیت خطی) به این نتیجه رسیده‌اند و نوستالژی را ایجاد کننده نشانگان دانسته‌اند و امکان‌های دیگر را رها کرده‌اند (سدیکیدس و همکاران، ۲۰۱۳). سدیکیدس و همکاران (۲۰۰۹) صریحاً همراه با شواهد بیان کردند که نوستالژی علّت ناخوشی فیزیکی یا اختلال روانی نیست، بلکه منبعی است که افراد در دوره‌های پریشانی برای کمک به خودشان و مقابله با پریشانی‌ها از آن نیرو می‌گیرند. این استدلال بر ایده‌ای مبتنی است که می‌گوید نوستالژی یک منبع مقابله‌ای فعال است (سدیکیدس، ۲۰۰۹ و باجو، ۲۰۱۳ به نقل از سدیکیدس

نوستالژی یکی از هیجاناتی است که افراد در زندگی شخصی، آن را تجربه می‌کنند و در سطوح متفاوت ضعیف یا شدید با آن مواجه می‌شوند. واژه‌ی نوستالژی از ترکیب دو لغت یونانی "nostos" به معنای بازگشت یا تمایل برای بازگشت به خانه و "alagos" به معنای درد و رنج ساخته شده است. مفهوم‌سازی این هیجان، در طول دهه‌های اخیر تغییرات مهم و قابل تأملی داشته است. در زمینه‌ی تاریخچه‌ی مربوط به این هیجان شاهد تحولات مفهومی و تشخیصی هستیم. به طور مثال کسانی همچون هافر (۱۹۳۴/۱۶۸۸) به نقل از سدیکیدس، ویدسشاتف روتلدج، آرنلد هپر و زو، ۲۰۱۵) پزشک سوئسی نوستالژی را به عنوان یک "بیماری مغزی" که دارای نشانه‌های اندوهگینی، تقلا برای گریه، ضعف، سوء هاضمه، درد معده، کم اشتها، اندیشه پردازی درباره خودکشی و حتی مرگ، تشخیص داد. پس از او شوئچزر (۱۷۳۲) به نقل از سدیکیدس و همکاران، ۲۰۱۵) تشخیص هافر در این زمینه را بازتاب داد و تقویت کرد. دیدگاه نوستالژی به مثابه یک بیماری پزشکی یا نورولوژیک تا قرن هجدهم و نوزدهم باقی بود. در دیدگاه روانکاوی، نوستالژی به عنوان "یک اشتیاق وافر برای وصل با مادر پیشادیدی، یک وداع غمگانه با کودکی، نوعی مکانیزم دفاعی در برابر سوگ یا نوعی اشتیاق برای گذشته‌ی برای همیشه از کف رفته" (کاپلان، ۱۹۸۷) به نقل از سدیکیدس و همکاران، ۲۰۱۵) تعریف شد. این ارزیابی‌ها با نزدیک شدن به پایان قرن بیستم کمتر شد. نوستالژی به عنوان شکلی از افسردگی، غم غربت و سندرم مهاجرت از جمله برجسب‌هایی بود که بر روی این تجربه زده شد (کاستلنو-تدسکو، ۱۹۸۰) به نقل از سدیکیدس و همکاران، ۲۰۱۵). مطابق این نگاه

^۱ - cerebral disease

توسط یک شبکه‌ی عاطفی فراخوانی شده ناشی از یک محرک بیرونی به طور فعال یا منفعل، تجربه زمان حال را به تجربه‌ی خاطرات گذشته پیوند می‌زند.

با این مقدمه نظر به اهمیت هیجان نوستالژی و کارکردهای متعددی که بنابر شواهد تجربی دارا است، سنجش و اندازه‌گیری آن نیز دارای اهمیت و ضرورت است. بر این اساس ابزاری که بتواند تجربه‌ی نوستالژی را بسنجد یکی از دغدغه‌های پژوهشگران در این زمینه بوده است. تا آنجا که پژوهشگران این مقاله بررسی کردند حداقل دو ابزار مهم برای سنجش نوستالژی و یک راه‌کار برای سنجش مداخله‌ی نوستالژیک ساخته شده است. این ابزارها شامل مقیاس نوستالژی ساوتهمپتون (راتلیج و همکاران، ۲۰۰۸)، پرسشنامه‌ی نوستالژی باجو (۱۹۹۵) و آزمون واریسی دستکاری ویدسشات و همکاران (۲۰۰۶) می‌باشد. در این میان پرسشنامه‌ی نوستالژی باجو (۱۹۹۵) بر اساس فراخوانی خاطره‌هایی از موقعیت‌های انضمامی در یک طیف ۹ درجه‌ای از شدت، عمق و فراوانی، تجربه‌های نوستالژیک را می‌سنجد و بر احساس فقدان نسبت به چیزهایی که در گذشته بود و اکنون اشتیاق بازیابی آن وجود دارد متمرکز است. علاوه بر این، از آنجا که پرسشنامه‌ی نوستالژی باجو خاطره محور است، به عنوان نوعی مداخله‌ی قوی برای فراخوانی تجربه‌ی نوستالژی عمل می‌کند؛ بنابراین فراهم آوردن مقدمات لازم جهت استفاده از آن در ایران ضروری می‌نمود و پژوهش حاضر با چنین هدفی انجام پذیرفت تا موجبات غنا بخشیدن به حوزه‌ی پژوهش هیجان‌ات مثبت و چندبعدی را در ادبیات پژوهشی این حوزه فراهم کند. با این هدف، پژوهش کنونی به دنبال پاسخگویی به سئوالات زیر می‌باشد: ۱- وضعیت روایی سازه و ساختار عاملی پرسشنامه‌ی نوستالژی در نمونه دانشجویان ایرانی چگونه است؟ ۲- پرسشنامه‌ی

و همکاران، ۲۰۱۵). استدلال گفته شده به طور خاص متضمن این است که نوستالژی به طور مثبت همراه و برانگیزنده‌ی تمایل بنیادی به عمل مربوط به انگیزش‌گرایی (در مقابل انگیزش اجتنابی) است. پشتوانه تجربی این ادعا در تحقیقات این محققان فراهم شده است (استفان و همکاران، ۲۰۱۴ به نقل از سدیکیدس و همکاران، ۲۰۱۵؛ سدیکیدس و همکاران، ۲۰۱۵). به این ترتیب تحقیقات انجام شده به سمت یک چشم‌انداز فرمول جدید برای هیجان نوستالژی رفتند. در چشم‌انداز جدید، نوستالژی به عنوان یک هیجان مثبت، مربوط به خود، گذشته‌محور، تلخ و شیرین، آرزومندانه با کارکردهای مثبت فردی، اجتماعی و وجودی دیده شد. راه‌اندازی احساس نوستالژی می‌تواند هم به صورت فعال و هم به صورت منفعل باشد. در شکل فعال فرد می‌کوشد تجربه نوستالژی را برای خویش تسهیل کند و در وضعیت منفعل یک محرک خاص با گذشته‌ی دور یا نزدیک برای فرد تداعی می‌شود و فرد ناخواسته و غیر عمدی دچار این احساس می‌شود. محرک‌های فراخوان نوستالژی می‌تواند اجتماعی (دوستان، اعضای خانواده، مسافرت یا تفریح‌ها، جشن تولد، تجدید دیدار، یک عشق از دست رفته و غیره) و غیراجتماعی (یک شیء، حالت خلقی فرد، یک بو، یک موسیقی، یک محصول، دارایی‌ها و غیره) باشد (هولاک و هاولنا، ۱۹۹۸؛ هولبورک، ۱۹۹۴ به نقل از سدیکیدس و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین تحقیقات نشان داده‌اند که تجربه‌ی نوستالژی در فرهنگ‌های مختلف وجود دارد (هپر^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). بنابر مباحث فوق، در این پژوهش نوستالژی به عنوان یک هیجان وابسته به خود، فردی-اجتماعی، که دارای ماهیت دوگانه غمگینی-شادمانی توأم است، این هیجان همراه با نوعی آرزومندی نسبت به گذشته و نارضایتی از اکنون که

^۱-Hepper

نوستالژی تا چه میزان دارای روایی همگرایی مطلوب می‌باشد؟^۳ پرسشنامه‌ی نوستالژی تا چه میزان برای سنجش احساس نوستالژی دانشجویان ایرانی از پایایی برخوردار است؟^۴ جنسیت چه نقشی در میانگین نمرات عامل‌های نوستالژی دارد؟

روش

شرکت کنندگان پژوهش حاضر ۲۰۱ نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های مختلف ساکن خوابگاه‌های دانشگاه شیراز بودند که در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ مشغول به تحصیل بودند. از آنجا که هدف پژوهش حاضر تعیین خصوصیات روانسنجی مقیاس گرایش به نوستالژی بود مبنای تعیین حجم نمونه بر اساس تعداد گویه این مقیاس تعیین شد که برابر ملاک پیشنهاد شده در منابع (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۷) و همچنین کلانین، ۱۹۹۴ به نقل از حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸) بوده است. این گروه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. به این ترتیب که به درب اتاقها در خوابگاه‌های دختران و پسران مراجعه و از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری حاضر در اتاق درخواست شد که مقیاس‌ها را تکمیل کنند.

ابزار

پرسشنامه‌ی نوستالژی باجو (۱۹۹۵): این مقیاس توسط باجو (۱۹۹۵) ساخته شده است. پاسخگویان باید میزان نوستالژیک بودن خاطراتشان در مورد ۲۰ ماده‌ی فراخوانی کننده، در یک طیف ۹ درجه‌ای از هرگز تا بسیار زیاد را مشخص کنند. این آیتم‌ها شامل مواردی همچون "خانه‌ای که در آن زندگی می‌کردید"، "شخصی که دوست داشتید"، "نداشتن نگرانی" و غیره است که از فرد خواسته می‌شود میزان احساس فقدان و خواستن این موارد را با توجه به گذشته‌اش مشخص

کند. در مطالعه‌ی باجو (۱۹۹۵، ۱۹۹۸) شواهدی مبنی بر روایی مقدماتی این ابزار را ارائه داده است و پایایی آن در دو مطالعه، بر اساس دو نیمه‌سازی ۰/۷۸ و بر اساس پایایی باز آزمایشی ۸۴/ توسط این تحقیق گزارش شده است. میزان آلفای کرونباخ مبنی بر پایایی آن در پژوهش سدیکیدس و همکاران (۲۰۱۴) ۰/۸۷ گزارش شده است. راتلج و همکاران (۲۰۰۸) همبستگی معنادار در حد ۰/۴۰ را بین نمره‌ی این ابزار با نمره‌ی مقیاس نوستالژی ساوتهمپتون گزارش کرده‌اند. ژو، سدیکیدس و همکاران (۲۰۰۸) نیز در تحقیقی بر روی کارگران چینی، ضریب همبستگی ۰/۴۱ را بین این دو ابزار گزارش نمودند. پژوهشگرانی همچون ویدسشات و همکاران (۲۰۰۶) عنوان کرده‌اند که با توجه به چندبعدی بودن تجربه‌ی نوستالژی و اینکه این ابزار تنها مواد نوستالژیک و عمق این تجربه را می‌تواند بسنجد و نه ویژگی‌های دیگر، پیشنهاد کرده‌اند همراه با آن آزمون واریسی دست‌کاری ویدسشات و همکاران نیز اجرا گردد.

آزمون واریسی دست‌کاری: این ابزار سه گویه‌ای توسط ویدسشات و همکاران (۲۰۰۶) ساخته شده است. از مشارکت کنندگان خواسته می‌شود یک رویداد نوستالژیک (یک خاطره‌ی خوش و مهم که از گذشته داری و هر وقت آن به یادت می‌افتد دلت می‌خواهد به گذشته برگردی) را به ذهن بیاورند، چهار کلمه کلیدی مربوط به آن رویداد را لیست کنند و مدت کوتاهی بر رویداد و احساساتشان در ارتباط با آن تأمل کنند. متعاقباً آن‌ها سه آیتم واریسی دست‌کاری نوستالژی را تکمیل کنند. گویه‌ها عبارت است از "در این لحظه من کاملاً نوستالژیک شده‌ام"، "اکنون من افکار نوستالژیک دارم" و "در این لحظه من دارای احساس نوستالژی هستم". گویه‌ها بر مقیاس درجه‌بندی شده به

^۱ - Check manipulation

آرزوهای ذاتی به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۷ و ۰/۸۸ و همسانی درونی اهمیت، احتمال دستیابی و میزان دستیابی به آرزوهای بیرونی به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۴ و ۰/۸۴ بود.

در این پژوهش برای تعیین روایی سازه‌ی ابزار نوستالژی از تحلیل عامل اکتشافی و سپس تحلیل عامل تأییدی بهره گرفته شد. همچنین برای اطمینان از روایی همگرایی این ابزار، همبستگی آن با نمره‌ی حاصل از ابزار واریسی دستکاری نوستالژی (وایدشات و همکاران، ۲۰۰۶)، آرزو (کسر وریان، ۱۹۹۶) و همبستگی عامل‌ها با نمره‌ی کل استفاده شد

یافته ها

میانگین سن مشارکت کنندگان ۲۷/۳۹ بود و دامنه‌ی سنی بین ۲۲ تا ۳۶ بود. ۴۱/۳ درصد از مشارکت کنندگان مرد و ۵۸/۷ درصد زن بودند. همچنین ۶۴/۷ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد و ۳۱/۳ درصد دانشجوی دکتری و ۴ درصد دانشجوی سال آخر لیسانس بودند. به لحاظ وضعیت تاهل نیز ۷۴/۱ درصد مجرد و ۲۵/۹ درصد متأهل بودند. وضعیت شغلی ۸۶/۱ درصد از مشارکت کنندگان بیکار و ۱۳/۹ درصد شاغل بود.

برای تعیین ساختار عاملی مقیاس و پاسخگویی به سؤال اول پژوهش مبنی بر تعیین روایی سازه، از آنجا که سازنده‌ی ابزار ساختار عاملی پیشنهاد نداده بود و با توجه به امکان شناسایی سازه‌های مکنون زیربنایی برای متغیرهای مشاهده‌شده‌ی مقیاس و نیز سنجش امکان تعمیم دهی یک ساختار مشخص به دیگر فرهنگ‌ها از تحلیل عامل اکتشافی به روش تحلیل عامل‌های محوری و چرخش واریماکس استفاده شد و آماره‌های نهایی بر مبنای ماتریس چرخش یافته‌ی عامل‌ها استخراج شد. ضریب KMO به دست آمده ۰/۹۰ بود که بیانگر

صورت ۱= کاملاً مخالف و ۷= کاملاً موافق بود. روش القای نوستالژی و آیت‌های واریسی دستکاری توسط تحقیقاتی در آمریکا (جوئل و همکاران، ۲۰۱۰؛ روتلدج و همکاران، ۲۰۰۸؛ ویدیشتات و همکاران، ۲۰۰۶)، در ایرلند (وان تیلبرگ و همکاران، ۲۰۱۳) و در چین (زو و همکاران، ۲۰۱۰، ۲۰۰۸) اعتبار یابی شده است و ضرایب به‌دست آمده نشان از مطلوب بودن پایایی (ضریب آلفای کرون باخ بالای ۰/۸۰ صدم) این ابزار دارد. این ابزار برای اجرا به فارسی برگردانده شد و در این تحقیق نیز نتایج گفته شده در مورد پایایی و روایی مورد تأیید قرار گرفت.

مقیاس آرزو (AI): مقیاس ۱۰۵ سؤالی آرزو را کسر و رایان (۱۹۹۶) ساخته‌اند. این مقیاس شامل سه زیرمقیاس جداگانه، اهمیت، احتمال دست یابی و میزان دستیابی به آرزوهای ذاتی و بیرونی است که ساختار عاملی، تعداد سؤالات و طیف لیکرت پاسخ گویی به سؤالات، در هر سه زیرمقیاس مشابه است. این مقیاس شامل دو عامل سطح دوم آرزوهای ذاتی و بیرونی است که عامل آرزوهای ذاتی، شامل ۴ عامل مرتبه اول (رشد شخصی، ارتباط صمیمانه و متعهدانه بادی گران داشتن، تعاون و همکاری اجتماعی و حفظ سلامتی بدن) و عامل آرزوهای بیرونی شامل سه عامل مرتبه‌ی اول (ثروت، شهرت و زیبایی) است. پاسخ به گویه‌های آن در طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱= اصلاً و ۷= زیاد) قرار دارد. روایی و پایایی این ابزار توسط سازندگان مطلوب گزارش شد و همچنین در پژوهش‌های دیگر نیز همچون هندرسن، کینگ و میچل (۲۰۱۱) به نقل از لنگرودی، سبزه آرای و قربانی، (۱۳۹۴) تأیید شد. در مطالعه سبزه آرای لنگرودی، سرافراز و قربانی (۱۳۹۴) همسانی درونی زیرمقیاس‌های اهمیت، احتمال دستیابی و میزان دستیابی به

بالتر از یک و شیب منحنی اسکری بود. بر این اساس سه عامل استخراج شد. عوامل تحت عناوین دل‌بستگی‌های گذشته و میل به خانه و صفای گذشته نامگذاری شدند.

بستگی متورها در ماتریس همبستگی و مقدار آماره یخی دو بارتلت (۱۶۶۲، $P < 0.001$ ، $df = 171$) بود که بیانگر کرویت ساختار ماتریس همبستگی برای انجام تحلیل عاملی است. ملاک تعیین عوامل ارزش ویژه

جدول (۱). نتایج تحلیل عامل اکتشافی پرسشنامه‌ی نوستالژی

| گوبه‌ها | گوبه‌های پرسشنامه‌ی نوستالژی باچو | دل‌بستگی‌های گذشته | میل به خانه | صفای گذشته |
|---------|---|--------------------|-------------|------------|
| ۶- | شخصی که دوست داشتید | ۰/۷۳ | | |
| ۵- | موسیقی که دوست داشتید | ۰/۶۵ | | |
| ۷- | دوستانی که داشتید | ۰/۶۰ | | |
| ۸- | کارهایی که انجام دادید | ۰/۵۵ | | |
| ۴- | مکان‌هایی که دوست داشتید | ۰/۵۴ | | |
| ۱۳- | داشتن کسی که به او وابسته بودید | ۰/۵۴ | | |
| ۱۰- | احساساتی که داشتید | ۰/۴۹ | | |
| ۱۶- | حیوان یا حیوانات دست‌آموزی که داشتید | ۰/۲۶ | | |
| ۲- | قهرمانانی که دوست داشتید | ۰/۴۲ | | |
| ۱۹- | خانه‌ای که شما در آن زندگی می‌کردید | | ۰/۳۸ | |
| ۱۲- | مدرسه‌ای که در آن درس می‌خواندید | | ۰/۷۱ | |
| ۱۵- | جامعه‌ی آن زمان (وضع جامعه) | | ۰/۶۳ | |
| ۹- | مردم آن زمان (نحوه‌ی بودن مردم) | | ۰/۶۱ | |
| ۱۸- | مسجد یا پرستشگاهی که در آن عبادت می‌کردید | | ۰/۴۸ | |
| ۱۱- | برنامه‌های تلویزیونی که تماشا می‌کردید | | ۰/۴۶ | |
| ۱۷- | نبودن اثری از غم و شر در آن زمان | | | ۰/۵۷ |
| ۱- | خانواده بزرگی که در آن زندگی می‌کردید | | | ۰/۵۴ |
| ۳- | نداشتن نگرانی | | | ۰/۵۳ |
| ۱۴- | اعیاد یا تعطیلی‌هایی که تجربه کردید | | | ۰/۴۷ |
| | ارزش ویژه | ۳/۴۰ | ۳/۱۲ | ۲/۲۶ |
| | واریانس تبیین شده (پس از چرخش) | ۱۷/۹۴ | ۱۶/۴۲ | ۱۱/۸۹ |
| | واریانس کل تبیین شده | | ۴۶/۲۶ | |

دستکاری) و عامل‌های پرسشنامه‌ی نوستالژی آورده شده است. چنان که مشاهده می‌شود هر سه عامل پرسشنامه‌ی نوستالژی با آزمون واریانس دستکاری نوستالژی و مؤلفه‌های آرزو رابطه‌ی معنادار مطلوبی دارند.

برای پاسخگویی به سؤال دوم پژوهش مبنی بر روایی همگرایی عامل‌های پرسشنامه‌ی نوستالژی، همبستگی این مقیاس با مقیاس‌های دیگر ملاک قرار گرفت. در جدول (۲) نتایج ماتریس همبستگی پیرسون میان متغیرهای پژوهش (مؤلفه‌های آرزو، آزمون واریانس

جدول (۲): ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش (روایی همگرا و همبستگی بین مؤلفه‌ها)

| متغیرها | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ |
|---------------------------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------|----|
| ۱- واریس نوستالژی | ۱ | | | | | | | | | | |
| ۲- میل به خانه | ۰/۲۳** | ۱ | | | | | | | | | |
| ۳- صفای گذشته | ۰/۲۲** | ۰/۶۳** | ۱ | | | | | | | | |
| ۴- دل‌بستگی‌های گذشته | ۰/۲۷** | ۰/۷۰** | ۰/۶۰** | ۱ | | | | | | | |
| ۵- آرزوی ثروت | ۰/۲۶** | ۰/۲۴** | ۰/۳۱** | ۰/۲۶** | ۱ | | | | | | |
| ۶- آرزوی شهرت | ۰/۱۸** | ۰/۲۶** | ۰/۲۱** | ۰/۳۴** | ۰/۶۵** | ۱ | | | | | |
| ۷- آرزوی زیبایی ظاهری | ۰/۱۶** | ۰/۱۷* | ۰/۲۶** | ۰/۲۹** | ۰/۶۷** | ۰/۷۰** | ۱ | | | | |
| ۸- آرزوی سلامتی | ۰/۱۱ | ۰/۱۷* | ۰/۱۹* | ۰/۲۶** | ۰/۵۹** | ۰/۲۹** | ۰/۴۱** | ۱ | | | |
| ۹- آرزوی رشد شخصی | ۰/۱۴* | ۰/۲۱** | ۰/۲۴** | ۰/۲۶** | ۰/۵۲** | ۰/۴۰** | ۰/۳۰** | ۰/۷۵** | ۱ | | |
| ۱۰- آرزوی ارتباط صمیمانه | ۰/۱۸** | ۰/۱۴* | ۰/۲۰** | ۰/۲۰** | ۰/۵۸** | ۰/۴۱** | ۰/۳۸** | ۰/۷۵** | ۰/۷۸** | ۱ | |
| ۱۱- آرزوی همبستگی اجتماعی | ۰/۲۲** | ۰/۳۰** | ۰/۲۳** | ۰/۳۴** | ۰/۵۰** | ۰/۴۵** | ۰/۴۰** | ۰/۶۹** | ۰/۷۲** | ۰/۶۸** | ۱ |

*p<0/05 **p<0/01

برای پاسخگویی به سؤال چهارم پژوهش مبنی بر تفاوت‌های جنسیتی متغیرها از آمار توصیفی و آزمون تی مستقل استفاده شد. در جدول (۳) شاخص‌های آمار توصیفی به همراه آزمون تی مستقل جهت بررسی تفاوت جنسیتی در متغیرهای مورد بررسی در پژوهش ارائه شده است. چنان که مشاهده می‌شود میانگین نمره‌ی دختران در بعضی از عامل‌های نوستالژی (میل به خانه و صفای گذشته) به طور معناداری بیشتر از پسران هست.

برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ی نوستالژی از ضریب به‌دست‌آمده از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفا برای عامل میل به خانه، دل‌بستگی‌های گذشته، صفای گذشته و نمره‌ی کل نوستالژی به ترتیب، ۰/۸۱، ۰/۸۵، ۰/۷۲ و ۰/۹۱ بود. همچنین همبستگی میان عامل‌های پرسشنامه‌ی نوستالژی بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۰ و معنادار بود. در حالی که همبستگی عامل‌ها با نمره‌ی کل مقیاس در محدوده‌ی ۰/۷۹ تا ۰/۹۲ بود.

جدول (۳). شاخص‌های توصیفی به تفکیک جنسیت و نتایج آزمون تی مستقل

| T | پسران (۸۳ نفر) | | دختران (۱۱۸ نفر) | | کل نمونه (۲۰۱ نفر) | | |
|---------|----------------|---------|------------------|---------|--------------------|---------|----------------------|
| | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | میانگین | انحراف معیار | میانگین | |
| ۰/۸۶ | ۴/۰۷ | ۱۱/۳۴ | ۳/۵۱ | ۱۱/۸۱ | ۳/۷۵ | ۱۱/۶۲ | واریس تلقیح نوستالژی |
| ۲/۲۱ * | ۱۰/۱۹ | ۳۰/۰۳ | ۱۱/۴۵ | ۳۳/۵۱ | ۱۱/۰۶ | ۳۲/۰۷ | میل به خانه |
| ۲/۹۶ ** | ۷/۱۰ | ۲۱/۶۱ | ۷/۷ | ۲۴/۷۸ | ۷/۶۱ | ۲۳/۴۷ | صفای گذشته |
| ۱/۴۶ | ۱۵/۰۵ | ۴۵/۳۸ | ۱۶/۶۷ | ۴۸/۷۵ | ۱۶/۰۷ | ۴۷/۳۶ | دل‌بستگی‌های گذشته |

*p<0/05 **p<0/01

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده بر نمونه‌ی دانشجویی این پژوهش نشان داد که ساختار تک عاملی مورد نظر سازنده‌ی ابزار، قابل تجدید نظر بوده و بر اساس نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان داده شد که می‌توان یک ساختار سه عاملی را برای این سازه پیشنهاد کرد که این سه عامل ارزش ویژه‌ی قابل توجهی داشتند و واریانس قابل توجهی از مقیاس را قابل تبیین کردند. نتایج تحلیل عامل اکتشافی نشان داد که ساختار سه عاملی نوستالژی علاوه بر بیشینه کردن واریانس قابل تبیین و همچنین تفسیرپذیری ماتریس همبستگی عامل‌ها، فهم بهتری از پیچیدگی تجربه‌ی نوستالژی به دست می‌دهد. در این راستا با نظر به سنجه‌های بار شده زیر هر عامل، عناوین "دلبستگی‌های گذشته"، "میل به خانه" و "صفای گذشته" پیشنهاد شد که با محتوای سنجه‌ها تناسب و هماهنگی معنایی لازم را دارا هست و به ترتیب، ارزش ویژه‌ی هر عامل در ساختار سازه‌ی نوستالژی را نشان می‌دهد. به این ترتیب، مدل سه عاملی نوستالژی از لحاظ روایی سازه و قابلیت مفهومی با استناد به داده‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود. نتیجه‌گیری فوق، از لحاظ تائید وجود تجربه‌ی نوستالژی و همگانی بودن آن و همچنین داشتن فراخوان‌های متعدد با یافته‌های هپر و همکاران (۲۰۱۴) همسو است؛ و از لحاظ تائید کلی روایی سازه‌ی ابزار (فارغ از تعداد عامل‌ها) با تحقیق سازنده‌ی ابزار (بانو، ۱۹۹۵) و تحقیقات انجام گرفته بر مبنای آن (برای مثال نگاه کنید به) همسو است. افزون بر این، تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که فراخوان‌های نوستالژی می‌تواند اجتماعی، غیراجتماعی و ... غیره باشد (هولاک و هاولنا، ۱۹۹۸؛ هولبورک، ۱۹۹۴) به نقل از سدیکیدس و همکاران، ۲۰۱۵) و بنابراین تجربه‌ی نوستالژی می‌تواند واجد ابعاد غیرهمگن تلقی گردد. توجه به عوامل

سه‌گانه‌ی نوستالژی و تائید جایگاه این عوامل در تجربه‌ی نوستالژی نشان می‌دهد که نوستالژی در جامعه‌ی ما به تناسب فراخوان‌های آن، تجربه‌ای دارای ابژه‌های متعدد است. عامل "دلبستگی‌های گذشته" چنان که از محتوای سنجه‌های آن پیداست، نشان از حسرت و میل به روابط دوستانه، عاشقانه و به‌طور کلی تعلق‌خاطرهایی است که جوانان دانشجویی در گذشته‌ی دور و نزدیک خود تجربه کرده‌اند. عامل "میل به خانه" با توجه به سنجه‌های آن، بیانگر میل به سکونت‌گاه و به‌طور کلی میل به "خانه" ای است که تجربه‌های ارتباطی و امنیت و جمعیت خاطر در آن رقم خورده است و همچنین جنبه‌هایی از زمان و مکان که با این جمعیت خاطر تداعی می‌شوند. و در نهایت عامل "صفای گذشته" بیانگر نوعی احساس صلح و فقدان نگرانی است که بر اساس مقایسه با زمان کنونی، در تجربه‌ی فرد بروز و ظهور می‌یابد. به عبارت دیگر وضعیت "اکنون" ناگوار است و یا چندان گوارا نمی‌نماید و گوارایی و خواستنی بودن زمان‌هایی در گذشته در مقایسه با اکنون، خودش را نشان می‌دهد. در تبیین این یافته، توجه به تمایل عمومی جامعه‌ی ما به بازنشر خاطرات گذشته و ارزش و اهمیت نوستالژی در ادبیات و شعر شاعران و نویسندگان ما (برای مثال نگاه کنید به شریفیان، ۱۳۸۶؛ طاهری‌نیا و عباسی، ۱۳۹۰؛ صیادی‌نژاد، قربان‌پور و حسن‌پور، ۱۳۹۳) نشان می‌دهد که هیجان نوستالژی در تجربه‌ی جامعه‌ی ما (و به تناسب در میان دانشجویان) دارای بروز و ظهور و ابعاد متعدّد است.

روایی همگرایی این ابزار نیز در رابطه با آزمون واریسی دستکاری نوستالژی (وایدشات و همکاران، ۲۰۰۶) و مؤلفه‌های هفت‌گانه‌ی مقیاس آرزو (کسر و رایان، ۱۹۹۶) تأیید شد. به عبارت دیگر، همبستگی معنادار عامل‌های نوستالژی با مؤلفه‌های آرزو و نمره‌ی

نوستالژی‌گرایی قابلیت تفکیک از یکدیگر را دارا هستند و از این قاعده که مؤلفه‌ها بایستی با نمره‌ی کل رابطه‌ی بالاتری داشته باشند تا با یکدیگر، پیروی می‌کند. در خصوص پایایی پرسشنامه‌ی نوستالژی نیز ضرایب آلفای کرونباخ نشان از همسانی درونی مطلوب این ابزار دارد که با یافته‌ی باجو (۱۹۹۵، ۱۹۹۸) در این زمینه همسو است.

در مورد نقش جنسیت، شاخص‌های توصیفی و نتایج آزمون تی مستقل مربوط به عامل‌های پرسشنامه‌ی نوستالژی نشان می‌دهد که در عامل "میل به خانه" و "صفای گذشته" تفاوت معناداری در میانگین دختران و پسران وجود دارد. در مورد این یافته بعضی از تحقیقات، همچون راتلج و همکاران (۲۰۱۱) شواهدی مبنی بر نقش جنسیت در این زمینه گزارش نکرده‌اند ولی نقش آن را با توجه به نقش فرهنگ قابل بحث دانسته‌اند؛ بنابراین ممکن است شدت نوستالژی‌گرایی دختران در این عامل‌ها به نحوی بازنمای نارضایتی بیشتر دختران در وضعیت اکنون جامعه‌ی ما باشد. این نکته با توجه به اینکه تجربه‌ی نوستالژی عمدتاً با نوعی نارضایتی از اکنون همراه است، قابل بحث است و علاوه بر آن ممکن است نتیجه‌گیری درباره‌ی نقش جنسیت به سن مشارکت کنندگان نیز وابسته باشد و این مسئله نیاز به تحقیقات جداگانه‌ای دارد.

این پژوهش بر آن بوده است که خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه‌ی نوستالژی باجو را در نمونه‌ی برگرفته از فرهنگ ایرانی آزمون کند و میزان تعمیم‌پذیری مدل سنجشی آن را در میان دانشجویان ایرانی تعیین نماید. چنانچه در مقدمه آورده شد اهمیت کاربرد ابزاری برای سنجش نوستالژی‌گرایی در تحقیقات داخلی محرز به نظر می‌رسد. پرسشنامه‌ی نوستالژی باجو (۱۹۹۵) یکی از مقیاس‌های پرکاربرد و بی‌بدیل برای سنجش متعلق تجربه‌های نوستالژیک است. بنابر

آزمون واریانس دستکاری نوستالژی نشان‌دهنده و مؤید روایی همگرایی نوستالژی است. رابطه‌ی مثبت و معنادار عوامل نوستالژی با نمره‌ی این ابزارها، به عنوان شاخصی از روایی همگرایی مقیاس نوستالژی باجو (۱۹۹۵) تلقی می‌گردد. این یافته با نتایج تحقیق راتلج و همکاران (۲۰۰۸) و ژو و همکاران (۲۰۰۸) مبنی بر رابطه‌ی همبستگی پرسشنامه‌ی نوستالژی با مقیاس نوستالژی ساوتهمپتون همسو است. این همگرایی، با توجه به این‌که در سنجش‌های تجربه‌ی آرزو، نوعی تمایل به رسیدن به رؤیایی در آینده وجود دارد، نوعی سنخیت با نوستالژی برقرار می‌کند. مؤلفه‌های آرزو عبارت بود از "آرزوی ثروت"، "آرزوی شهرت"، "آرزوی زیبایی چهره"، "آرزوی رشد شخصی"، "آرزوی ارتباط صمیمانه"، "آرزوی همبستگی اجتماعی" و "آرزوی سلامتی". تمرکز بر محتوای مؤلفه‌های آرزو نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها با نوستالژی دارای نوعی تجانس هستند که شاید بتوان گفت، حداقل بخشی از آرزوهای فرد، شکل رو به آینده‌ای از تمنای چیزی در گذشته است. علاوه بر آن‌هم در نوستالژی و هم در آرزو، فرد از وضعیت ناخوشایند یا نه‌چندان مطلوب زمان حال می‌گریزد؛ به عبارت دیگر، در نوستالژی فرد به گذشته پناه می‌برد و در آرزو، رؤیایی از آینده را می‌پرورد و به آینده پل می‌زند؛ بنابراین می‌توان گفت نوستالژی و آرزو، تجربه‌هایی دارای نوعی اشتراک محوری هستند. همچنین آزمون واریانس دستکاری نوستالژی نیز پس از یک تکلیف القاح نوستالژی، میزان نوستالژیک شدن افراد در لحظه را می‌سنجید.

پایایی ابزار نیز چنان‌که نتایج نشان داد، مقایسه‌ی بازه‌ی ضرایب به‌دست‌آمده برای رابطه‌ی عامل‌های پرسشنامه‌ی نوستالژی با یکدیگر و با نمره‌ی کل مقیاس نشان می‌دهد که مفهوم‌پردازی سه عاملی پرسشنامه‌ی

survey research (quantitative data analysis). Tehran: Lavieh Publication[Persian].

Sarnad Z, Bazargan A, Hejazi E (2011). Research methodologies in behavioral sciences. Tehran: Agah publications[Persian].

Sayyadi nejad, R; Ghorbanpoor,H and Hasanpoor, M (2015). Barresie zaminehaye nostalgi dar soroodehaye Nazokolmalaeke and Foroogh Farokhzad. *Journal of Lyrical Literature Researches*, 22, 209-226[Persian].

Sedikides, C., & Hepper, E. G. (2009). Self-improvement. *Social and Personality Psychology*. 3(6), 899-917

Sedikides, C., Wildschut, T., Amdt, J., & Routledge, C. D. (2006). Affect and the self. In J. P. Forgas (Ed.), *Affect in social thinking and behavior: Frontiers in social psychology* (New York, NY: Psychology Press.

Sedikides, C., Wildschut, T., Routledge, C., Amdt, J (۲۰۱۴). Nostalgia counteracts self-discontinuity and restores self-continuity. *European Journal of Social Psychology*, Eur. J. Soc. Psychol. *Published online in Wiley Online Library*.

Sedikides, C., Wildschut, T., Routledge, C., Amdt, J., Hepper, E & Zhou, X. (2015). To Nostalgize: Mixing Memory with Affect and Desire. *Advances in Experimental Social Psychology*, Volume 51.

Sharifian. M (2007). Barresie farayande nostalgi dar ashaare sohrab sepehri. *Journal of Lyrical Literature Researches*, 5, 51-73[Persian].

Tabachnick, B and Fidell, L (2017). Using Multivariate Statistics(Translate by Pasha Sharifi, H and colleague's). Tehran: Roshd publication

Taherinia, A; Abbasi, N (2012). Barresie padideye nostalgi dar ashaare Ibne Khafaje. *Journal of Lyrical Literature Researches*, 17, 149-172[Persian].

Van Tilburg, W. A. P., Igou, E. R., & Sedikides, C. (2013). In search of meaningfulness: nostalgia as an antidote to boredom. *Emotion*, 13(3): 450-61

Wildschut, T., Sedikides, C., Amdt, J., Routledge, C. (2006). Nostalgia: Content, triggers, functions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91, 975-993.

نتایج به دست آمده در این تحقیق، پرسشنامه‌ی نوستالژی‌گرایی باجو (۱۹۹۵) با ساختار سه‌عاملی مورد بحث، دارای روایی سازه، همگرا، پایایی و قدرت افتراق قابل قبول است و محققان داخلی می‌توانند از این ابزار برای پیشبرد مسائل تحقیقاتی مرتبط با این هیجان استفاده کنند.

تشکر و سپاسگذاری

در پایان از دانشجویان دانشگاه شیراز که با مشارکت خود امکان پیشبرد این تحقیق را فراهم کردند قدردانی می‌گردد.

References

- Batcho, K. I. (1995). Nostalgia: A psychological perspective. *Perceptual and Motor Skills*, 80, 131-143
- Batcho, K. I. (2013a). Nostalgia: The bittersweet history of a psychological concept. *History of Compass*, 3, 899-917.
- Hepper, E. G., Wildschut, T., Sedikides, C., Ritchie, T. D., Yung, Y.-F., Hansen, N., et al. (2014). Pancultural nostalgia: Prototypical conceptions across cultures. *Emotion*, 14(4):733-47
- Juhl, J., Routledge, C., Amdt, J., Sedikides, C., & Wildschut, T. (2010). Fighting the future with the past *Psychology*, 16, 165-176.
- Kasser, T., & Ryan, R. M. (1996). Further examining the American dream: Differential correlates of intrinsic and extrinsic goals. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22, 280-287. Nostalgia as an antidote to boredom. *Emotion*, 13, 450-461.
- Routledge, C., Sedikides, C., Wildschut, T., & Juhl, J. (2013). Finding meaning in the past: Nostalgia as an existential resource. In K. Markman, T. Proulx, & M. Lindberg (Eds.), *The psychology of meaning* (pp. 297-316). Washington, DC: *American Psychological Association*.
- Safari Shali R, Habbibpour Gatabi K (2012). A comprehensive guide to use SPSS in

Wildschut, T., Sedikides, C., Arndt, J., Routledge, C. (2006). Nostalgia: Content, triggers, functions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91, 975–993.

Zhou, X., Wildschut, T., Sedikides, C., Chen, X., & Vingerhoets, M.J. (2012). Heartwarming Memories: Nostalgia Maintains Physiological Comfort. *Emotion*. 12 (4): 678-84.